

نیت و اخلاص

- تالیف: دکتر یوسف قرصاوی
- ترجمه: عمر قادری
- نشر احسان ۱۳۷۹
- این کتاب خلاصه شده تقدیمات می شود

- تعریف اخلاص
- اهمیت نیت در تحقق اخلاص
- فضل اخلاص و خطر ریا
- حقیقت اخلاص
- دلایل اخلاص
- طاعت و معصیت در نهان و آشکار
- ضرورت اخلاص برای دعوتگران
- ثمرات اخلاص
- انگیزه های اخلاص

تعریف اخلاص

- منظور از اخلاص، جویا شدن رضایت خدا در عمل و تصفیه آن از شائبه های شخصی یا دنیوی است؛ یعنی انسان جز به خاطر جلب رضای خدا و منزلت اخروی کاری را انجام ندهد.

- اخلاص یکی از ثمره های توحید کامل، و به معنای منحصر کردن عبادت و استعانت از پروردگار عز و جل است؛ «ایاک نعبد و ایاک نستعین» «تنها تو راعبادت می کنیم و تنها از تو یاری می طلبیم» فاتحه/ه

- علمای دین و مربیان مسلمان و سالکان راه در پیمودن مسیر آخرت بر اهمیت اخلاص اتفاق نظر دارند.

- تأکید اسلام بر کسب اخلاص و پاکیزه کردن نیت و تصحیح موضع نسبت به خدای خویش نوعی بیهوده کاری و محدودیت قائل شدن نیست، بلکه زندگی بدون اخلاص، استقامت و ترقی را به دست نمی آورد و اکثر مصیبت ها و بحران های کمرشکن که امت ها و گروه ها را در تنگنا قرار داده است، ناشی از کسانانی است که باور و امید به خدا و منزل اخروی ندارند.

اهمیت نیت در تحقق اخلاص

- اخلاص جز باد و عنصر تحقق نمی یابد:

۱- حضور نیت، چرا که پایه و اساس کار نیت است و کار بدون نیت صرفا نظر از حسن و قبح آن انسان را درزمره مخلصان قرار نمی دهد

۲- زدودن شائبه های شخصی یا دنیوی و انحصار مخلصانه آن برای خدا.

- خداوند از این نیت مشروط در قرآن با عبارات مختلفی نام می برد مانند: «ارادة وجه الله»، «ابتغای وجه الله» یا «ابتغای مرضات الله»

- لازم به تذکر است که بین قصد خدا و قصد آخرت تفاوت و دوگانگی وجود ندارد و کسی که بر آیه «منکم من یرید الدنیا و منکم من یرید الآخرة» چنین تحلیلی دارد، با توجه به این، پس چه کسی خدا را می خواهد؟ این تحلیل غلط است. زیرا آنانکه آخرت را می خواهند، خدا را می خواهند و قصد آخرت یعنی قصد رضایت و ثواب و امید به آنچه نزد خداست. و امید به بهشت و ترس از جهنم برای مخلصان عیب نیست چنانکه خداوند پامبران و نیکوکاران را به علت داشتن بیم و امید و رغبت و رهبت نسبت به بهشت و جهنم ستوده است و سخنی بالاتر از قرآن وجود ندارد. بهشت هم فقط یک منزل مادی مادی محض نیست بلکه منزل رضوان بزرگ و نعمت نگریستن به وجه الله است: «وجوه یومئذ ناضرة الی ربها ناظرة» قیامت / ۲۲-۲۳

- سنت نبوی مملو از احادیثی است که پیرامون فضل و امتیاز نیت و اخلاص صحبت می کنند:

«انما الاعمال بالنیات و انما لکل امریء ما نوى...» «همانا پاداش اعمال به نیت فرد بستگی دارد و هر کس نتیجه نیت خود را دریافت می کند» روایت امام بخاری و مسلم و ابوداود و ترمذی و نسائی

«... ان الله لا یقبل من العمل الا ما کان خالصا لوجهه و ابتغی به وجهه» «خداوند در میان اعمال جز عمل خالص که به خاطر رضای خدا باشد را قبول نمی کند» منذری / الترغیب و الترهیب

- «جوهری» در الصحاح می گوید: «نیت یعنی تصمیم قطعی» و «زرکشی» در «قواعد» خود گفته است: «حقیقت نیت ربط قصد به یک مقصود معین است» و «ماوردی» می گوید: «نیت یعنی قصد مقرون به اقدام، اگر بین قصد و اقدام فاصله افتد آن عزم است نه تصمیم.»

- پس نیت یک خطوره محض نیست که برای لحظه ای بر قلب عارض شود و زود از بین برود.

- نیت کار زبان نیست، بلکه یک عمل قلبی محض است. بنابراین از پیامبر و پاران او و تابعین در میان سلف صالح دیده نشده است که در عبادت‌هایی مثل نماز، روزه، غسل و وضو، نیت را تلفظ کنند؛ و آنچه که می بینیم عده ای در نیت آوردن و شروع عبادت خود را به تکلف و دشواری می اندازند، مانند: نوبت رفع حدث الاکبر، یا نوبت صلاة الظهر اربع رکعات یا نیت دارم چهار رکعت نماز عصر را برای خدا می خوانم و یا نیت دارم فردا روزه ماه رمضان را بگیرم... همه اینها دلیلی از قرآن و سنت ندارند و بی مفهوم هستند، چرا که انسان هنگامیکه قصد رفتن به بازار یا سفر دارد، نمی گوید: نیت دارم به بازار بروم یا نیت دارم به سفر بروم!

- به خاطر اهمیت نیت در توجیه عمل و کیفیت بخشیدن و تعیین نوع و ارزش آن، دانشمندان یکی از ریشه دارترین قاعده ها از قواعد فقهی را استنباط کرده اند که: «الامور بمقاصدها» یعنی اصل کار، قصد و نیت است.

- به خاطر نیت، یک شیء واحد که دارای صورت واحد است، به پسندیده و ناپسند تقسیم می گردد، مانند توکل و عجز، امید و تمنا، حب خدا و حب غیر خدا، نصیحت و سرزنش، هدیه و رشوه، شرح حال و شکوی، در تمام این کلمات اولی پسندیده و قرینه آن ناپسند است در صورتی که شکل یکی است، فقط نیت آن را تغییر می دهد.

- اگر کسی عادتاً یا به علت مشغولیت، از خوردن و نوشیدن در روز خودداری کند و قصد قربت و عبادت نداشته باشد، روزه دار محسوب نمی شود و اگر جهت یافتن گمشده ای به دور کعبه بگردد برای او ثواب طواف منظور نمی گردد. و اگر به قصد عطا و بخشش (نه به قصد زکات فرض) چیزی به نیازمند بدهد، پرداخت زکات محسوب نمی شود. و اگر فردی در مسجد بنشیند و قصد اعتکاف نکند معتکف محسوب نمی گردد.

- تاکنون توضیحاتی را درباره نیت ارائه دادیم اما آنچه که مورد اتفاق همه است این است که نیت در تغییر حرام تأثیری ندارد، یعنی حسن نیت و قصد نیک، حرام را حلال نمی کنند و صفت پلیدی که اساس حرام بودن است با حسن نیت زوده نمی شود. مثلاً کسی که به قصد

بنای مسجد یا ساختن پناهگاهی برای یتیمان یا تأسیس مدرسه برای حفظ و قرائت قرآن یا صدقه دادن به فقرا و نیازمندان و اهداف خیر دیگر اقدام به رباخواری و غصب اموال دیگران می کند کار او حرام است و نیت پاک او در حلال کردن حرام و تخفیف گناه تأثیری ندارد. احادیث صحیح تأکید می کنند که: خداوند پاک است و جز پاک را نمی پذیرد. روایت امام مسلم

- اسلام قاعده «هدف وسیله را توجیه می کند» را انکار می کند و جز وسیله پاکیزه برای اهداف شریف چیز دیگر را نمی پذیرد و همواره باید هدف شریف و وسیله پاکیزه باشد.

- برادر مسلمانم گمان نکنید که تحقق اخلاص یک کار آسان است و اخلاص در دسترس هر که بخواهد قرار می گیرد، این یک تصور دور از واقعیت است. بر خلاف نظر ساده اندیشان، تحقق اخلاص کار آسانی نیست و در میان سالکان راه خدا، عارفان حقیقی از دشواری راه اخلاص و مشقت آن بر نفس بندگان جز آنکه خداوند راه اخلاص را بر آنان آسان کرده است حکایت می کنند:

سفیان ثوری می گوید: تا حالا مشکلی که از تصحیح نیتم دشوارتر باشد حل نکرده ام، زیرا همیشه در مقابل فعالیت های من ایستادگی می کند.

یوسف بن اسباط گفته است: برای کارگزاران اسلام پاک نمودن نیت از فساد، دشوارتر و سخت تر از طول دوران جهاد است. باز گفته است: انتخاب کردن خدا در بین خواسته ها و امیال و آرزوها از قتال فی سبیل الله دشوارتر است.

به نافع بن جبیر گفتند: در این تشییع جنازه شرکت نمی کنی؟ گفت: صبر کنید تا نیت بیاورم. پس چند لحظه فکر کرد، سپس گفت: حالا برویم!

یوسف بن حسین رازی می گوید: سخت ترین کار در دنیا اخلاص است، و چقدر جهت زدودن ریا از قلبم تلاش می کنم اما با رنگ دیگر و از جهت دیگر همچون قارچ از زمین سبز می شود!

- در اینجا لازم می دانم به تمام دعوتگران اسلامی و آنان که برای پیروزی اسلام کار می کنند تأکید کنم، انگیزه ها و اهداف خود را با صداقت مورد تحلیل و بررسی قرار دهند و به نفس خود و خدا ی خود دروغ نگویند.

- امام غزالی بعد از ذکر فتنه های مقام پرستی، خودنمایی، شهرت و کسب ستایش مردم، از گفتن حقیقت در این مورد دریغ نکرده است: «هیچ کس مانند علما در معرض فتنه نیست، زیرا همراه با محرک و انگیزه نشر علوم، انگیزه های بسیاری چون لذت چیره شدن بر مخالفان، شاد شدن بر تعداد پیروان و خوشحال شدن بر تعداد پیروان و خوشحال شدن به مدح و ثنا آمیخته می شود...»

- حضرت عمر فاروق - رضی الله عنه - می فرمود: «بار الها! تمام کردارم را صالح، و برای رضای خود خالص گردان و در انگیزه اعمال من سهمی برای دیگران قرار مده»

- بنابراین دانستن حقیقت اخلاص و کار کردن بر اساس آن، دریای عمیقی است که جز عده ای کم و بسیار نادر، همگان در آن دچار لغزش می شوند: این استثنا در قول حق تعالی آمده است: «**الا عبادک منهم المخلصین**»

فضل اخلاص و خطر ریا

- قرآن از مخلصانی تعریف و تمجید می کند که در کار خود جز رضایت خدا هدف دیگری ندارند و دنبال رضایت او هستند و به دنبال رضایت و ستایش مردم نیستند. (سوره انسان)

- از ابن مسعود و ابن عباس و براء و به صورت مرفوع روایت شده است: «**اوثق عُرَا الایمان: الموالاة فی الله، و المعادة فی الله، و الحب فی الله، و البغض فی الله**» «محکمترین ریسمان

ایمان عبارتند از: تعهد نسبت به یکدیگر به خاطر خدا، دوستی برای خدا، و خشم به خاطر خدا.»

- در حدیث ثوبان، پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: «در میان امت من افرادی وجود دارند که اگر نزد یکی از شما بیایند و درخواست یک دینار کنند به آنها نمی دهید، اگر یک فلس درخواست کنند به آنها نمی دهید، اما اگر از خداوند بهشت را درخواست کنند به آنها می دهید!»

- عمر بن خطاب رضی الله عنه در نامه خود به ابوموسی اشعری فرمود: «آنکه نیت خود را برای خدا اصلاح گرداند، خداوند میان او و مردم را اصلاح می کند.

- معروف کرخی خود را می زد و می گفت: ای نفس! مخلص باش تا خلاصی یابی.

- ابی بن کعب رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت می کند: «این امت را به روشنائی و مقام بلند و استقرار در زمین نوید دهید، اما اگر کسی از آنها کار آخرت را برای دنیا انجام دهد در آخرت سهمی از پاداش ندارد.»

- معاذ بن جبل رضی الله عنه هم از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت کرده است: «هر بنده ای که در دنیا بر مقام شهرت و ریا تکیه زند، خداوند در روز قیامت در حضور خلائق او را رسوا می کند.»

- زید بن اسلم رضی الله عنه از پدر خود نقل کرده است: حضرت عمر رضی الله عنه بسوی مسجد به راه افتاد، معاذ بن جبل را بر مزار پیامبر صلی الله علیه و سلم دید که گریه می کند. فرمود: چرا گریه می کنی؟ فرمود به خاطر حدیثی که از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم و آن اینکه:

«اندکی از ریا شرک است و آنکه بادوستان و اولیای خدا عداوت می کنند برآستی که آشکارا با خداوند می جنگند؛ بیگمان خداوند پرهیزگاران را که بخاطر پرهیز از تظاهر و ریا خود را نهان می دارند، دوست دارد. آنکه فقط خدا را در نظر می گیرند، و چنان بی سر و صدا هستند که اگر غایب باشند کسی سراغشان را نمی گیرد و از حالشان نمی پرسد و اگر در میان مردم حاضر شوند به علت عدم تظاهر شناخته نمی شوند، دل‌هایشان چراغهای هدایت است و از هر گرد و غبار تاریکی رهائی می یابند.»

حقیقت اخلاص

- استاد ابوالقاسم قشیری در کتاب خویش «الرساله» می فرماید: «اخلاص یعنی: منحصر کردن طاعت و عبادت به وسیله نیت برای خدا، چنانکه هدف بنده خدا از طاعت و عبادت، تقرب محض و خالص باشد، نه تصنع و خودنمایی یا کسب ستایش و تعریف و تمجید مردم؛ و هر شائبه ای غیر از قصد تقرب، محلل اخلاص است. به طور خلاصه می توان گفت: اخلاص یعنی تصفیه طاعت و عبادت از ملاحظه دیگر و شائبه ها.» و می توان گفت یعنی: «پرهیز از ملاحظه اشخاص.»

- «حذیفه مرعشی» گفته است: «اخلاص عبارت است از اینکه افعال بنده خدا در ظاهر و باطن یکی باشد.»

- در زیر به عوامل مهمی اشاره می کنیم که حقیقت اخلاص از آنها سرچشمه می گیرد:

۱. مخلص باید به نظر خالق اهمیت بدهد نه به نظر مخلوق

۲. ظاهر و باطن و نهان و آشکار او یکسان باشد

۳. اخلاص خود را ننگرد مبادا به نفس خود مغرور شود. ابویوب سوسی گفته است: «اخلاص، نادیدن اخلاص است و هر که در اخلاص خود اخلاص را ببیند، اخلاص او نیازمند اخلاص است»!

۴. یکی دیگر از عناصر اخلاص، عدم توقع پاداش آن در آخرت است. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: «عمل محض هیچکدام از شما، شما را به بهشت نمی برد؛ یارانش گفتند: حتی شما یا رسول الله؟؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: حتی من، مگر اینکه خداوند مرا مشمول رحمت خود گرداند».

۵. ترس از نفوذ ریا و هوای نفس به درون، بدون اینکه فرد احساس کند. شیطان دارای راه های مخفی و کانال های پیچیده ای است، که از طریق آنها به نفس نفوذ می کند، و چه بسا از دچار کردن مؤمنان به گناهان ظاهری ناامید گردد، اما پیوسته فعالیت می کند که آنان را به کانال گناهان درونی بکشاند و اعمال و عباداتی را که امید است مورد رضایت و کسب درجات گردد هدر دهد. بنابراین «سهل» گفته است: «جز مخلص، کسی ریا را نمی شناسد».

دلایل اخلاص

- یکی از دلایل اخلاص به ویژه زمانی که انسان دارای استعداد و توانایی شهرت باشد، پرهیز از شهرت و انتشار نام از لحاظ دینداری است. بنابر این، زهد در مقام و شهرت و آوازه مهمتر و بزرگتر از زهد در مال و آرزوهای شکم و جنس است. مردی را می بینی که در خوردن و آشامیدن و کسب و کار اهل زهد و ورع است، اما در هنگام توزیع مقام ریاست کسی را شایسته تر از خود نمی بیند.

- زاهد مشهور، ابراهیم بن ادهم می گوید: «شهرت طلب نه خدا را شناخته و نه او را تصدیق کرده است».

- ایشان (ابراهیم ادهم) می گوید: «در دنیا همچون یک شب خرسند نشدم که در مسجدی از مسجدهای شام خوابیده بودم و از درد شکم رنج می بردم، شب هنگام مؤذن به مسجد وارد شد و از من خشمگین شد و پایم را گرفت و مرا کشید تا از مسجد بیرونم کرد!» خرسندی ابراهیم بن ادهم از این بود که آن مرد او را نشناخته و بدون در نظر گرفتن موقعیت و منزلت او پایش را گرفته و همچون مجرمی او را از مسجد بیرون کرده است. او همان کسی است که ریاست و ثروت را به خاطر خدا کنار گذاشت و اصرار او بر ماندن در مسجد به خاطر شدت مرضی بود که توان را از او گرفته بود.»

- ابن مسعود می گوید: «چشمه های علم شوید و روشنایی های هدایت و چراغ شب، دلپایان نو و جامه های پتان کهنه باشد تا میان اهل آسمان معروف و میان اهل زمین ناشناخته باشید».

- اما شهرت ناخواسته اگر دور از تکلف و تاکید باشد، اشکالی ندارد. امام غزالی می گوید: شهرت برای ضعیفان فتنه و بلاست اما برای مؤمنان قوی دل اشکالی ندارد.

- مخلص همیشه نفس خود را در مقابل خدا و ادای وظایف، به کم کاری و کوتاهی متهم می کنم و غرور در عمل و اعجاب به نفس بر قلب او چیره نمی شود.

- باید کار بی سر و صدا را بر کاری که داد و فغان ظاهری و طنین شهوت آن را پوشانده است، ترجیح داد. مخلص همیشه ترجیح می دهد که یک سرباز گمنام باشد و بدون اینکه او را بشناسند، جان فدا کند.

- یکی از دلایل اخلاص این است که انسان منتظر مدح مداحان نباشد و بر آن اصرار نوزد؛ و اگر مداحی او را ستود مغرور نشود و از حقیقت نفس خویش غافل نگردد.

- از دیگر دلایل اخلاص این است که انسان از مدح کسی که شایسته مدح است و ستایش کسی که اهلیت و شایستگی ستایش دارد، بخل نرزد. چنانکه در احادیث می بینیم پیامبر صلی الله علیه و سلم برخی از یاران خود را ستوده و بر فضائل و اخلاق بارز و خوب آنها انگشت نهاده است. چیزی که باعث می شود از انسانهای شایسته قدردانی نشود ممکن است هوی و هوس نهان نفسی یا حسادت پنهان و یا ترس از رقابت در مقام باشد و شخص در حالی که نمی تواند او را سرزنش و ملامت کند، حداقل کاری که می کند، از تعریف او منصرف می شود.

- یکی دیگر از دلایل وجود اخلاص در مسلمان این است که ادای مسئولیت در پائین ترین درجه سربازی و بالاترین رتبه رهبری نزد او مساوی باشد.

- نباید به رضایت مردمی که در ورای آن خشم خدا نهفته است، اهمیت داد، چرا که مردم از جهت ذوق و بینش، تفکر و آرزوها و اهداف و روشها به شدت با هم مختلف هستند و فعالیت برای راضی کردن همه آنها بیهوده است. چنانچه فرومایه ها راضی شوند، بی تردید بزرگان خشمگین می شوند. انسان مؤمن نفس خود را از این رنج و مشقت آزاد و راحت می سازد.

- باید حب و خشم، بخشش و منع و رضایت و ناخشنودی او به خاطر خداوند و دین او باشد، نه به خاطر نفس و منافع خویش...

- طولانی بودن راه، دیر رسیدن ثمر، به تأخیر افتادن پیروزی و سختی تلاش با سلیقه ها و جاذبه های مختلف مردم، او را به سستی و راحت طلبی و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت و توقف در نیمه راه وادار نکند.

- خداوند در قیامت نمی پرسد که چرا پیروز نشدید، بلکه سؤال می کند که چرا تلاش نکردید؟ و نمی پرسد که چرا موفق نشدید، بلکه می پرسد که چرا فعالیت نکردید؟!

- یکی دیگر از نشانه های اخلاص اظهار سرور و خوشحالی به وجود هر استعدادی در صف دعوت است؛ انسان مخلص، اگر کسی شایسته تر از خود را ببیند با کمال میل پست خود را برای او خالی می کند و با خشنودی او را بر خود ترجیح می دهد.

- یکی دیگر از دلایل اخلاص تأکید بر کار خدا پسندانه تر است، نه نفس پذیر. مؤمن مخلص کاری را ترجیح می دهد که نفعش بیشتر و تأثیرش عمیق تر باشد، اگر چه با هوی و هوس نفس او سازگار نباشد.

- آنچه اخلاص را کامل می کند این است که: فرد مؤمن با تکبر و اطمینان و بالیدن به عمل خود آن را باطل ننماید. از جمله سخنان گهر باری که به حضرت علی کرم الله وجهه الشریف نسبت داده شده است این است: «گناهی که تو را آزار دهد بهتر از کار نیکی است که تو را مغرور کند».

- قرآن کریم تزکیه نفس به معنای مدح و ثنای خود را نهی کرده است: «فلا تزکوا انفسکم هو اعلم بمن اتقی» نجم/۳۲

- کسانیکه اعمال صالح و نیکو انجام می دهند، جز در موارد زیر نباید آنها بازگو کنند:

۱. تحدث به نعمت خدا «و اما بنعمة ربك فحدث» ضحی/۱۱

۲. تشویق مردم برای انجام آن کار

۳. دفاع از خود در زدودن اتهاماتی که به او چسبیده است و از آن مبرا است.

طاعت و معصیت در نهان و آشکار

- بر مؤمن سالک لازم است طاعات خود را مخفی نگهدارد و حتی الإمكان اعمال صالح خود را از چشم و گوش مردم بپوشاند

- اصل در فرائض اظهار و در نوافل اخفاء و کتمان است. با این وجود می توان سنت ها و اعمال صالح را بدون قصد ریا نزد مردم اظهار کرد.

- می توان سنت ها و اعمال صالح را با شرایط زیر بدون قصد ریا نزد مردم اظهار کرد و چه بسا مؤمن با اظهار آن خوشحال و شادمان گردد:

۱- اگر هدف از خوشحالی و شادمانی او، شکر خداوند متعال بر توفیق اطاعت و لطف او در اخفای گناهان و اظهار حسنات باشد؛

۲- اگر جهت تفائل و خوشبختی به اینکه خداوند همانطور که در دنیا زشتی های او را پنهان و نیکی های او را آشکار کرده است، در آخرت نیز چنین کند.

۳- ممکن است انگیزه شاد شدن به ظهور اعمال، تشویق و تحریک دیگران باشد تا در کارهای خوب به او اقتدا کنند.

۴- شاید انگیزه شادی یک مسلمان در ظهور اعمال این باشد که آنانکه اعمال او را می بینند بخاطر خدا او را دوست خواهند داشت.

۵- یکی از ابزار توجیه در اظهار عمل صالح، عمل دیگران به آن و بنیانگذاری سنت حسنه است تا مردم هم سرمشق بگیرند و هدایت شوند. امام حسن بصری گفته است: درست است که مسلمانان با مخفی کردن اعمال دو کار را احراز نموده اند، اول انجام کار، دوم مخفی کردن آن. اما در بسیاری از مواقع اظهار عمل صالح خالی از فایده نیست. بنابراین خداوند، عمل صالح نهن و آشکار را ستوده است:

«إن تبدوا الصدقات فنعما هی و إن تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خیر لکم» بقره/۲۷۱

(اگر بذل و بخششها را آشکار، چه خوب، و اگر آنها را پنهان داریدو به نیازمندان بپردازید برای شما بهتر خواهد بود.)

- شریعت اسلام در حالیکه نسبت به اظهار طاعات مخصوصا فرائض و حتی گاهی اوقات سنت ها بنا به اهداف و مقاصدی که ذکر کردیم، اجازه داده است، به هیچ صورتی اظهار و اعلان گناه را اجازه نداده است. بلکه در صورت رخ دادن گناه امر به پوشیدن آن نموده است.

- حسن کتمان گناهان و پوشاندن آنها از عموم در نکات زیر نهفته است:

۱- اولاً ما مسئول هستیم هرگاه به معصیتی دچار گشتیم با پوشش خدایی آن را بپوشانیم. در حدیث آمده است: «از این زشتی ها که خداوند نهی کرده است پرهیز کنید و اگر کسی دچار آن شد با پوشش خدایی آن را بپوشاند و گستاخانه آن را ابراز نکند.» به همین خاطر آشکار کردن گناه دیگران نیز همانند آشکار کردن خود گناه مکروه است.

۲- جهت اجتناب از پرده دری در آشکار کردن گناه و بیم اینکه نفس به آشکار نمودن گناه عادت کند و گستاخ شود؛ چرا که اگر نفس به آشکار نمودن گناه عادت کند بیشتر در آن غرق می شود...

۳- کسی که گناه انجام می دهد باید آن را بپوشاند تا دیگران از او تقلید نکنند و باعث انتشار معصیت خدا در روی زمین و گستاخی مردم برای انجام آن نشود

۴- تا در موقیت عفو و بخشش خدا قرار گیرد و در زمره مباحثات کنند گانی که گستاخانه گناه را اظهار می کنند قرار نگیرد! در صحیحین از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است:

«تمام امتم جز گستاخان و اظهار کنندگان گناه، بخشودنی هستند و این حماقت است که شخصی شب هنگام گناهی مرتکب شود و صبح با وجود اینکه خداوند گناه او را پوشانده است بگوید: ای فلانی؛ امشب چنین و چنان کردم... خداوند گناه شب او را می پوشاند و او صبح آنرا برملا می کند!» متفق علیه

۵- تا در جمع اهل حیا قرار گیرد آنانکه ذوق سالم و حیای ایشان مانع اظهار گناه می شود. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است:

«ایمان شصت و اند شاخه است و حیا شاخه ای از ایمان است» متفق علیه

۶- تا در زمره کسانی قرار گیرد که امت شاهد خیر بودن آنان است. پیامبر صلی الله علیه و سلم گفته است:

«هر مسلمانی که مرگ او فرا رسد و چهار خانواده از همسایه های نزدیک او گواهی دهند که جز خیر و صلاح درباره او چیزی نمی دانند، خداوند می فرماید که علم و شناخت شما در باره آن مسلمان را پذیرفتم و از گناهانی که شما بی خبر هستید درگذشتم.» منذری در الترهیب و الترهیب

۷- تا زمینه غیبت و ملامت دیگران را بر خود فراهم نکند و دیگران را در دام معصیت قرار ندهد...

۸- تا از سرزنش مردم در صورت اطلاع بر گناهش رنج نبرد زیرا سرزنش قلب را آزار می دهد و این چیز فطری و بدیهی است و چه بسا زخم زبان اگر ادامه یابد به علت تاثیر و اضطرابی که در درون ایجاد می کند مانع خشوع در عبادت شود، اگر چه مقام برتر آن است که ثنا و سرزنش مردم نزد او یکسان باشد...

۹- تا از اذیت و سوء قصد احتمالی که با همراه شدن معصیت همراه است در امان باشد و اشکال ندارد که مسلمان نفس خود را از اسباب آزار دهنده برحذر دارد.

- اگر مسلمانی علاقمند محبت و مودت دیگران باشد گناهی نکرده است بلکه این یک خصوصیت فطری و غریزی انسان است که دوست دارد و از دیگران انتظار دوستی دارد. خداوند فرموده است:

«إن الذين آمنوا و عملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن ودا»

«بی تردید کسانی که ایمان می آورند و کارهای شایسته انجام می دهند خداوند مهربان آنان را دوست دارد و محبت ایشان را به دلها می افکند» مریم/۹۶

ضرورت اخلاص برای دعوتگران

- فعالیت برای رهبریت اسلام و بازگشت آن به صحنه تنظیم حیات با عقیده و قانون و تمدن آن، از جهتی عبادت و تقرب بسوی خدا و از سویی دیگر جهاد در راه خدا محسوب می گردد. احضار نیت برای خدا در این عبادت و جهاد، اساس و مبنای پذیرش عمل از طرف خدا و موفقیت در آن است زیرا نیت آمیخته عمل را باطل و نفس را آلوده می کند و صف جماعت را ضعیف و پاداش عمل را می سوزاند.

- سالم بن عبدالله در یک نامه نصیحت گونه به عمر بن عبدالعزیز نوشته است: «بدان یاری خدا به بنده خود بر اساس نیت است، آنکه نیتش کامل باشد، یاری خدا بر او تکمیل می گردد و آنکه نیتش برای خدا ناقص باشد، یاری خدا برای او ناقص می گردد.»

- روایت می کنند که فردی برای ازدواج با زنی بنام «ام القیس» به مدینه مهاجرت نمود (نه بخاطر خدا) و به این خاطر او را «مهاجر ام القیس» نام نهادند!

- رهبری حق بوسیله کسانی که بر سر مبادی و اصول تجارت می کنند و اسلام را فقط به عنوان وسیله ای برای بدست آوردن دنیا می خواهند، و ریاکارانی که فقط به خاطر جلب نظر مردم و شهرت و آوازه و سر زبان افتادن و انگشت نما شدن کار می کنند، بر سرای حق نخواهید تابید و بدینصورت خیر منتشر نمی شود و کلمه ایمان پیروز نمی گردد؛ بلکه حق و خیر و ایمان و فضیلت فقط بوسیله مخلصانی پیروز می گردند که بر مبادی و اصول گردن نهاده و به دنبال حق می افتند و در اسلام تاثیر گذار و انعطاف پذیر و بخشنده اند و بر سر اصول اسلامی جهت رسیدن به دنیا تجارت نمی کنند.

- سربازان دعوت و حاملان رسالت و وارثان انبیاء مخلصانی هستند که در کار خود رضایت و خشنودی خدا را می خواهند و بر بام موانع، منافع و مصالح شخصی و دنیوی صعود کرده و دعوت را یاری می دهند و با دعوت قدرتمند می شوند، اگر چه از نظر مادی فقیر، و از نظر مقام ضعیف، و در میان مردم گمنامند.

- بر دعوتگران و صاحبان دعوت لازم است صف خود را از ناخوانده هایی که دنبال آرزو و طمع دنیوی افتاده اند بر حذر دارند، طفیلی هایی که همچون نفوذ میکروب و ویروس به جسم سالم، بر صف گروه های مؤمن نفوذ کرده و خود را بر شانه های دیگران آویزان می کنند. سخنشان بسیار و عملشان اندک است، هنگام مشکلات کم و در وقت طمع زیادند، تا اینکه در وقت محنت ها و مشقت ها خود را نشان می دهند و خداوند تمیز و نامتیز را از هم جدا می سازد.

ثمرات اخلاص

- اخلاص دارای پاکیزه و زیبا در روان و حیات است که به صورت خلاصه آنها را ذکر می کنیم:

۱- آرامش روانی: اخلاص به صاحب خود آرامش روانی و و اطمینان خاطر می بخشد. خداوند در مثال قرآنی، مؤمن یکتاپرست را به برده ای تشبیه کرده است که دارای یک آقاست و می داند آقايش از چه چیزی خشنود و از چه چیزی ناخشنود می شود، پس تمام هم و غم خود را مصروف رضای او و پیروی از آنچه که او دوست دارد می کند. و در این مثال مشرک را به برده شرکا تشبیه کرده است که همیشه بر سر او در حال منازعه و کشمکش هستند و هر یک از شرکا او را به چیزی خلاف نظر شریک دیگر امر می کند و هر یک از آنها از وی چیزی می خواهد که دیگری آن را نمی پسندد پس همت و استعداد او متفرق و قلبش دگرگون می شود. (سوره زمر/ ۲۹) بدین ترتیب انسان مؤمن با انحصار عبودیت برای خدا از هلاکت بندگی دیگران آزاد می گردد.

۲- قدرت روحی: اخلاص به انسان قوت روحی بزرگی می بخشد که نشأت گرفته از علو هدفی است که نفس خود را برای آن خالص کرده و اراده خود را برای آن آزاد کرده است و آن عبارت است از رضایت و پاداش خدایی. شیفتگان دنیا و آزمندان مقام و منصب و شهرت در مقابل نیم نگاه دنیا داران و بخشندگان آرزوهای خویش بلافاصله خود را می بازند و ضعف خود را آشکار می کنند، اما آنانکه نفس خود را به خدا روخته اند با قنوت خستگی ناپذیر و قدرت عجز ستیز، راه مسیر بندگی را می شکافند و به جلو می شتابند و به هدف می رسند و بوسیله تجرد و اخلاص خود را از هر قدرت مادی قوی تر می پندارند.

۳- دوام کار: اثر دیگر از آثار اخلاص، استمرار بخشیدن آن به حرکت دعوتگر یا عامل است. آنکه بخاطر ریا یا آرزوهای شهوانی و شکم کار می کند چنانچه به آن نرسد دست از کار برمی دارد. آنکه جهت کسب مقام و منصب و شهرت کار می کند به محض اینکه احساس کند که

رسیدن به آنها دشوار است، سستی، سنگینی و تنبلی در کار او را فرا می گیرد. آنکه بخاطر امیر یا رئیس کار می کند، در غیاب رئیس، یا کار را انجام نمی دهد یا آنرا همراه با بی توجهی و سهل انگاری انجام می دهد. اما آنکه برای خدا کار می کند پیوسته به کار ادامه می دهد و سستی و تنبلی و راحت طلبی در سرای عزم و اراده او آشنایانه نمی سازد زیرا مراقب و صاحب کار او خداست و خدا هرگز غایب نمی شود.

۴- تبدیل مباحات و عادات به عبادات: اخلاص کیمیای اعمال است که بر هر عملی نهاده شود اگرچه آن عمل مباح یا عادی هم باشد آنرا تبدیل به طاعت و عبادت می کند. در حدیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم به سعد رضی الله عنه گفت: «در هر انفاقی که بخاطر خدا باشد حتی لقمه ای که در دهان همسرت بگذاری خداوند در قبال آن تو را پاداش می دهد.» متفق علیه

۵- کسب ثواب بدون انجام یا تکمیل کار: یکی از برکات اخلاص این است که فرد مخلص اگر چه کار را تکمیل نکرده و یا توانایی تکمیل آنرا نداشته باشد، پاداش کامل آنرا بدست می آورد. خوب است در اینجا به سخن خداوند گوش فرا دهیم: {وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا} «وهرکه از خانه خود بیرون آید و بسوی خدا و رسول هجرت کند و سپس مرگ او را دریابد اجر او بر عهده خداست، و خداوند بسی آمرزنده و مهربان است.» نساء/۱۰۰ و نسائی و ابن ماجه از ابی درداء روایت کرده اند که از پیامبر به ایشان رسیده است: «کسی که با قصد قیام اللیل بر بستر قرار گیرد اما خواب بر چشمان او چیره شود و تا صبح بیدار نگردد، اجر و پاداش قیام اللیل را به عنوان صدقه و هدیه الهی کسب می کند.» و در صحیح مسلم آمده است که پیامبر خدا فرموده است: «کسی که صادقانه از خداوند طلب شهادت کند خداوند او را به مقام شهدا می رساند اگر چه بر بستر خود فوت کند.»

۶- یاری و ضمانت الهی: یکی از ثمرات اخلاص مورد تایید خدا قرار گرفتن و مشمول کفایت او شدن است؛ امداد الهی بر حسب مقدار تجرد و از خود گذشتگی و صفای قلب برای خداست. هرگاه بنده ای مخلص به حق علیه دیگران یا در درجه اول علیه نفس خود قیام کند کسی ققدرت مقاومت در مقابل او را ندارد اگر چه اهل آسمان و زمین و کوهها علیه او به توطئه پردازند خداوند خواسته او را تضمین می نماید. خلاصه مطلب اینکه در مقابل انحصار توحید ربوبیت و الوهیت برای خدا هیچ قدرتی توانایی استقامت ندارد و آنکه این دو توحید را در انحصار خداوند قرار دهد پیروز است، اگر چه دشمنان گروه گروه بر او بتازند. امام احمد رضی الله عنه از حضرت عایشه اینگونه روایت می کند که ایشان فرمودند: «آنکه برای رضایت خداوند، مردم را برنجاند، خداوند مردم را برای او کفایت می کند و کسی که برای رضایت مردم خداوند را برنجاند خداوند او را به مردم می سپارد.»

۷- یکی دیگر از ثمرات اخلاص، این است که خداوند با یاری خود مخلص را یاری می رساند و با چشمانی که خواب نمی روند او را نگهبانی می کند و آنگاه که مشکلات و بحرانها و بلاها و رنجها بر فضای حیات او سایه می افکنند، خداوند دعایش را اجابت می کند و ندایش را پاسخ می گوید

۸- نجات جامعه و استقامت حیات: فراموش نکنیم، چنانکه قبلا نیز تذکر داده ایم: نتیجه و ثمر اخلاص فقط خاص قیامت نیست؛ یعنی ما اخلاص را فقط بدین خاطر نمی خواهیم که: اعمالمان نزد خدا قبول گردد و در قیامت بهشت خدا نصیب ما شود و از آتش جهنم نجات یابیم و بس، علاوه بر همه اینها و مهمتر از همه، اخلاص مطلوب است تا کارهای دنیا استقامت و اصلاح یابند، و خیر و سعادت بر جامعه سایه افکند و عدل برپا گردد و ابر سیاه ظلم و سایه ظالم از آسمان حیات برچیده شود...

انگیزه های اخلاص

در اینجا به مسائلی اشاره می کنیم که پویندگان راه خدا را بر اخلاص نیت و عمل برای خدا یاری می دهد و آن مسائل عبارتند از: انگیزه های روانی، دافعه های معنوی، عوامل فکری و

جنبه های علمی که اگر فزونی یابند و با هم آمیخته گردند بجاست که عقل و قلب سالک را تحت تاثیر قرار دهند و او را در مسیر مخلصان قدمی به پیش برند:

۱- علم راسخ: اولین یاور و محرک انسان در این زمینه این است که شخصی با علم یقینی در اعماق خود به اهمیت اخلاص به عنوان یک ضرورت دینی و ثمرات آن در دنیا و آخرت پی ببرد و بداند که حق تعالی عملی را بدون اخلاص نمی پذیرد هر چند شکل و شمائل آن زیبا باشد.

۲- همنشینی با مخلصان: از جمله چیزهایی که که مقام اخلاص را تقویت می کند، همنشینی و مجالست با اهل اخلاص و زندگی در رکاب آنان است تا الگو و سرمشق قرار گیرند و سالک با اخلاق آنان متاثر شود. زیرا الگو قرار دادن ایشان صلاح و مشابهت با آنان رستگاری است. رسول الله صلی الله علیه و سلم در این مورد می فرماید: «مثال همنشین شایسته و همنشین بد همانند صاحب مشک و صاحب کوره است. صاحب مشک یا از مشک خود به تو هدیه می کند و یا از او می خرید و یا حداقل بوی خوش آن به مشام تو می رسد. اما صاحب کوره یا لباس تو را می سوزاند و یا حداقل بوی بد آن تو را آزار می دهد.» متفق علیه

۳- مطالعه سیره مخلصان: یکی دیگر از چیزهایی که انسان را در راه اخلاص کمک می کند، مطالعه سیره مخلصان و آشنایی با زندگی ایشان جهت متاثر شدن به آنها و الهام گرفتن از هدایت ایشان است. فضل و برکت و رحمت خداوند تبارک و تعالی به ما این است که در فرهنگ و تمدن و میراث دینی ما «الگوهای مخلص» بسیاری وجود دارند که هر کس زندگی آنان را مطالعه کند، ناخودآگاه و بی اختیار از ایشان متاثر می شود.

۴- مبارزه با نفس: یکی از پشتوانه های اخلاص عبارت است از مجاهدت و منظور ما از مجاهدت توجیه اراده است بسوی مبارزه با نفسی که انسان را به انحراف امر می کند و مقاومت در مقابل امیال شخصی و دنیوی تا اینکه نفس برای خدا خالص می گردد: «والذین **جاهدوا** فینا لنهیدنهم سبلنا و إن الله لمع المحسنین» «کسانیکه جهت رضایت ما تلاش کنند و در راه پیروزی دین ما جهاد کنند آنان را در راههای منتهی به خود رهنمود می گردانیم و قطعاً خدا با نیکوکاران است.» عنکبوت/۶۹

۵- نیایش و پناه بردن به خدا: چیزی که این مسائل را تقویت و بازوی سالک راه خدا را محکم می گرداند، پناه بردن به خدا در تمام امور است: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» «تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می طلبیم» فاتحه/۵ حقیقت توحید عبارت است از محصور کردن عبادت و استعانت برای خدا. آنگاه که وسائل مادی انسانی و قدرت او ناتوان می ماند یا اراده او سست می گردد، جز یک در پیش روی انسان نیست، آن را بوسیله دعا می گوید و فضل و برکت خدا را می طلبد و او هم اهل پاسخ است.

اللهم انا نعوذ بک من أن نشرك بک شیئا نعلمه و نستغفرک لما لا نعلمه.